

فقط برای احباب است

هجرت بهتران و مکوت در آن مدیله مضر  
بصالح امریه و مخالف رضای آله در این ایام  
است . . . . .

حضرت ولی امر الله



(نشریه مجله روحانی ملی بهائیان ایران)

شماره ششم - شهرالعلم - شماره ۱۰۶ (۶) ۱۱۸

### فهرس ندرجات :

#### قسمت آثار مبارکه

قسمت ازتلغراف ملیع مبارک پاپتخار جناب سندروی  
تلغراف ملیع مبارک در جواب تلفراف مجله ملی

راجح بحلول عیدین سعیدین

نماز روزانه (ترجمه ابلاغیه مبارک)

طرد روحانی (ترجمه ابلاغیه مبارک)

#### قسمت مهاجرت

تقویم مهاجرت

قسمت جوانان

قسمت تاریخی

خبرو خان ایران

منصاعدین الی الله

مطلوب متنوعه

قسمت آثار مبارک

معتدل که خدمت نکرده اند

معلم و حکمت را اساسن ترقی هالم از این میدانیم و  
فلسفه وسیع النظر را استایش مینمائیم در روزنامه  
کلیه سانفرانسیسکو دقت نمایید تا بیقت آشنا کار  
گردد

اما قوای عقلیه از خصائص روح است نظیر شعاع  
که از خصائص آنها بست اشعه آفتاب در تجدد است  
ولکن نفس آفتاب باقی و برقرار

ملاحظه فرمایید که عقل انسانی در تزايد و تناقض  
است و ناید عقل بکلی زائل گردد ولکن روح بر حالت  
واحد است و عقل ظهورش منوط بسلامت جسم است  
جسم سالم عقل سالم دارد ولی روح مشروط بآن نب  
عقل بقوه روح ادراک و تصور و تصرف دارد ولی روح قوه  
ازاد است عقل بواسطه محسوسات ادراک معقولات  
کند ولکن روح طلوعات غیر محدود دارد عقل در  
دانه محدود است و روح غیر محدود عقل ادراک  
 بواسطه قوای محسوسه دارد نظیر باصره وسامه و  
ذائقه و شامه و نسمه ولکن روح آزاد است چنانکه  
ملاحظه مینمایید که در حالت یقظه و حالت خواب  
سیر و حرکت دارد شاید در عالم روزی محل مسئله نی از  
مسائل غامضه مینمایید که در زمان بیداری مجهول بود  
عقل بتعطیل حواس خمسه از ادراک بازمیاند و در  
حالت جنین و طفولیت عقل بکلی مفقود لکن روح در  
نهایت قوت

باری دلائل بسیار است که بخدا ان عقل قوه  
روح موجود فقط روح را مراتب مقاماتی روح جمادی  
و مسلم است که جماد روح دارد حیات دارد ولی  
با قضاۓ عالم جماد چنانکه در تزد طبیعیون نیز این  
سرمجهول مشهود شده که جمیع کائنات حیات دارند  
چنانکه در قرآن میدرماید کل شئی حی و در عالم نبات  
نیز قوه نامیه و آن قوه نامیه روح است و در عالم حیوان

آسمان بادن

جناب بروسر محتم دکتور فرمال معظم  
علیه بہاء اللہ الاعظم  
حواله

ای شخص محتم ملتون حقیقت نامه شما که  
۲۸ جولای ۱۹۲۱ منون بود رسید مضماین خوش  
داشت و دلیل برآن بود که الحمد لله هنوز جوانی، و  
تحری حقیقت مینمائی قوای فکریه شدید است و  
اکشنات فقلیه پدید نامه نیکه بدکتور فیشر مرقم  
نموده بودم نسخ متعدده ا منتشر است و جمیع  
میدانند که در سن ۱۹۱۰ مرقم گردیده وازایی  
نامه گشته نامه های متعدده باین مضمون قبل از  
حرب مرقم و در جریده کلیه سانفرانسیسکو نیز  
اشارة نی باین مسائل گردیده تاریخ آن جریده  
مسلم و معلم و همچنین ستایش فلسفه وسیع النظر در  
لطق که در کلیه داده شد رهایت بلافت لهذ ایک  
نسخه از آن جریده در جوف این مکتب ارسال نمیشود  
تالیف آن جناب البته میداد است لهذ ۱۱ گرچنانچه  
طبع است از هر یک نسخه نی از برای ما ارسال  
دارید

مقصد از طبیعیونی که عقائد شان در مسئله  
الوهیت ذکر شد حزن از طبیعیونی تذکر نظر محسوس  
پرست است که بحواله خمسه مقتد و میزان ادراک —  
نزو شان میزان حس است که محسوس رامحتم شوند  
و غیر محسوس رامعدن و رامشبده دانند حتی وجود  
الوهیت را بکلی مظنون نگردند مراد جمیع فلاسفه  
عمانیست همانست که مرقم نموده نی مقصد و  
تنگ نظران طبیعیونند اما فلاسه الہیون نظیر  
سفراط و افلاطون و ارسطو فی الحقیقت شایان احترام  
و مستحق نهایت ستایشند زیرا خدمات فائقه بعالی  
انسانی نموده اند و همچنین فلاسفه طبیعیون متفقون

قوه حساسه است ولی در عالم انسان قوه محیط است و در جمیع مراتب گ شته عقل مفقود ولکن روح را ظهور و بروز قوه حساسه ادراک روح ننماید ولکن قوه عالله است دلال بر وجود آن نماید و همچنین عقیل است دلال بر وجود یک حقیقت غیر مرئیه نماید که محیط بر کائنات است و در هر تیه نی از مراتب ظهور و روزی دارد ولی حقیقتش فوق ادراک عقول چنانکه رتعه جبار ادراک حقیقت نبات و کمال نباتی را ننماید و نبات ادراک حقیقت حیوانی را نتواند و حیوان ادراک حقیقت کائنه انسان که محیط پرسائی است نتواند حیوان اسیر طبیعت است و از قوانین و نوامیں طبیعت تجاوز نکند ولی در انسان قوه کائنه است که محیط پسر طبیعت است که قوانین طبیعت را در هم شکند مثل جماد و نبات و حیوان اسیر طبیعتند این آنست این عظمت چنان اسیر طبیعت است که هیچ اراده ندارد و از قوانین طبیعت سرموقی تجاوز نتواند و همچنین سائر کائنات از جماد و نبات و حیوان هیچیک از نوامیں طبیعت تجاوز نتواند بلکه کل اسیر طبیعتند ولی انسان هر چند جسمش اسیر طبیعت ولکن روح و عقلش آزاد و حاکم بر طبیعت ملاحظه فرمائید که بحکم طبیعت انسان دی روح شرک خاکی است اما روح و عقل انسان قانون طبیعت را بینکند مرغ میشود و در هوا پراز میکند و بر صفات دریا بکمال سوخت میتاشد و چون ماهی در فرد رسایر بیرون و اکتشافات بحریه میکند و این شکستی عظیم از برای قوانین طبیعت است و همچنین قوه کهریائی این قوه سرکش عاصی که کوه رامیشکاقد انسان این قوه را در زجاجه حبس ننماید و این خرق قانون طبیعت است و همچنین اسرار مکنونه طبیعت که بحکم طبیعت باید مخفی بماند انسان آن اسرار مکنونه طبیعت را ننماید و از حیز غیب بحیز شهود میآرد و این نیز خرق قانون طبیعت است و همچنین خواص اشیاء از اسرار طبیعت است انسان اور اکشن مینماید و همچنین

واقع ماضیه که از عالم طبیعت مفقود شده ولکن انسان کشف ننماید و همچنین واقع آتیه را انسان باستدلال کشف ننماید و حال آنکه هنوز در عالم طبیعت مفقود است و مخابره و مکانه بقانون طبیعت محصور در مسافت قربه است و حال آنکه انسان بآن ت... و معنویه که کائیف حقایق اشیاء است از شرق بـ سر بر مخابره ننماید این نیز خرق قانون طبیعت است و همچنین بقانون طبیعت سایه زائل است ولی این سایه را انسان در آئینه ثابت میکند و این خرق قانون طبیعت است بوقت نمائید که جمیع علم و فنون و صنایع و آخراعات و اکتشافات کل از اسـ رار طبیعت بود و بقانون طبیعت با پد مستور ماند ولی انسان بقوت کاشه خرق قانون طبیعت کرده و این اسرار مکنونه را از حیز فیض به حیز شهود آورده و این خرق قانون طبیعت است خلاصه آن قوه معنویه انسان که غیر مرئی است نیز را از دست طبیعت میگیرد و فرق طبیعت میزند و سائر کائنات با وجود نهایت عظمت از این کمالات محروم انسان را قوه اراده و شعور موجود ولکن طبیعت از آن محروم طبیعت مجبور است و انسان مختار طبیعتی شعور است و انسان باشـ و در طبیعت از حوالات ماضیه بـ خیر و انسان با خبر سـ طبیعت از وقایع آتیه جاهل و انسان بـ قوه کائنـه عالم طبیعت از خود خبرند از دنیا از هر چیز باخبر .

اگر نیز تخریب نماید که انسان جزئی از عالم است طبیعت است و چون جامع این کمالات است این کمالات جلوه نی از عالم طبیعت است پس طبیعت را بجدا این کمالات است نه قادر در جواب گوئیم که بجز تابع کل است ممکن نیست که در جزء کمالاتی تحقق یابد که کل از آن محروم باشد و طبیعت هیارت از خواص و روابـ طـ دیـ وـ رـهـ است که متبوع از حقایق اشیاء است و این حقایق کائنات هر چند در نهایت اختلاف است ولی

جهان بی بایان متنه بحیات انسان نگردد.  
 اما حقیقت الوهیت فی الحقيقة مجرد است یعنی تجرد حقیقی وادرارک مستحیل نیز آنچه بتصریف انسان آید آن حقیقت محدود است لیکن نامتناهی محاط است لیکن محیط وادرارک انسان فائق ومحیط برآن و همچنین یقین است که تصویر انسانی حادث است لیکن قدمی وجود ندارد هنی دارد لیکن وجود عینی واژای که شته تفاوت مراتب در حیز حدوث مانع از ادرارک است پس چگونه حادث حقیقت قدمیه را ادرارک که چنانکه گفتم تفاوت مراتب در حیز حدوث مانع از ادرارک است جماد ونبات وحیوان از قوای عقلیه انس که کاف حفایق اشیاست بی خبراست ولی انسان از جمیع این مراتب باخبر برتریه عالی محیط برتریه است و کاف حفایق آن ولی رتبه دانی از رتبه عالی بی خبر و اطلاع مستحیل است لهذا انسان تصرف حقیقت الوهیت نتواند ولی بقدر اعد عقلیه و نظریه و منطقیه و طلوعات تکریه و انکشافات وجود اینه معتقد بحضرت الوهیت میگردد و کشف فیوضات الہیه مینماید و یقین میگند که هر چند حقیقت الوهیت غیر مرتبا است وجود الوهیت غیر محسوس ولی ادل قاطعه الہیه حکم بوجود آن حقیقت غیر مرتبا مینماید ولی آن حقیقت کماهی هن مجھول النعم است مثلا ماده اثیریه موجود ولی حقیقتش مجھول و یا نثار مختتم حرارت وضیا و کهریزات موجات اوست از این تمواجات وجود ماده اثیریه اثبات میگرد دماچه در فیوضات الہیه نظر کنیم مینمایم که وجود کائنات عبارت گردید مثلا ملاحظه مینمایم که وجود کائنات عبارت از تحریک عناصر زیراتحلیل سبب تفرق عناصر مفرد است گردید پس چون نظر در تحریک عناصر کنیم که از هر تحریکیں کائنات تحقق یافته و کائنات نامتناهی است و معلول نامتناهی پس علت چگونه فائیه است و تحریک مخصوص درسه قسم است لارابع له تحریک

در غایت ارتباط و این حقایق مختلفه راجهت جامعه ای لام لام جمیع را بربط بیند یگردد مثلا ارکان واعضا واجزا و عناصر انسان در نهایت اختلاف است ولی جهت جامعه ای که آن تغییر پر انسانی میشود جمیع را بیند بربط میدارد که منتظماتعاون و تعاضد حاصل گردد و حرکت کل اعضاء در تحت قوانین منتظمه که سبب بتای وجود است حصول یا بد امام جسم انسان از آن جهت جامعه بلکی بی خبر و حال آنکه باراده ای منتظم وظیفه خود را بیگانماید.

اما فلاسفه برد و قسمند از جمله سفراط حکیم که معتقد بوحد ایت الہیه و حیات روح بعد ازموت بود چون رأیش مخالف آراء عوام تنگ نظران بود لهذا آن حکیم ربانی را مسمم نمودند و جمیع حکماء الہی و اشخاص عاقل دانان چون در این کائنات نامتناهی نظر نمودند ملاحظه کردند که نتیجه این کون اعظم نامتناهی متنه بحال جماد شد و نتیجه عالم جماد به حال نبات گشت و نتیجه عالم نبات عالم حیوان و نتیجه عالم حیوان عالم انسان این کون نامتناهی بایسن عظمت و جلال نهایت نتیجه اش انسان شد و انسان ایام چند در این شئه انسانی بمحن و آلام نامتناهی معدب و بعد متلاشی بی اثر و نمرگشت اگراینست یقین است که این کون نامتناهی با جمیع کمالات متنه بهذیان ولغو و بیهوده شده نه نتیجه و نه ثمری و نه بقاویه اثری عبارت از هذیان میگردد پس یقین کردند که چنین نیست این کارخانه پر عظمت باین شوکت بی الرحمون و باین کمالات نامتناهی عاقبت متنه باین هذیان نخواهد گشت پس البته یک شئه دیگر محقق است چنانکه شئه عالم نبات از شئه عالم انسانی بی خبر است مانیز ازان شئه کبری که بعد از شئه انسانیست بی اطلاع هستیم ولی عدم اطلاع دلیل بر عدم وجود نیست چنانکه عالم جماد از عالم انسان بلکی بی خبر و مستحیل الادرارک ولی عدم ادرارک دلیل بر عدم وجود نیست ولی لائل قاطعه متعدد موجود که این

یافته و مستمر امورد اتفاعالند و آن موثرات نیز  
بتاثیر موثراتی دیگر تحقق یابد مثلاً بات بقیه خواهد  
ابر نیسانی تحقق یابد و انبات شود ولی نفس ابر نیز  
در تحت تد بیر موثرات دیگر تحقق یابد و آزاد موثرات  
نیز در تحت تاثیر موثرات دیگر مثلاً بات و میوان  
از عنصر ناری واژه هسته ای که با صطلح فلاسفه این  
ایام اکسیجن و هیدروژن نشونه مانع اید یعنی در تحت  
تریت و تأثیر این دو موثر را عالم انفس این دو ماده  
در تحت تأثیرات دیگر وجود یابد و همه نین سائنس  
کائنات از موثرات و متاثرات این تسلیل یابد و بطلان  
تسلیل واضح و میرهن پس لاید این موثرات و  
متاثرات متشهی بخی قدیر گردد که غنی مطلق و  
مقدس از موثرات است و آن حقیقت کلیه غیر محسوسه  
و غیر مرئیه است و باید چنین باشد زیرا محیط است  
نه محاط و چنین اوصاف صفت معلول است نه علت  
و چون دقت کنیم ملاحظه نمائیم که انسان مانند  
میکروب صخیر است که در میوه نی موجود آن میوه از  
شکوفه تحقق یافته و شکوفه از شجری نایب شده و  
شجر از ماده سیالیه نشونه ناموده و آن ماده سیالیه  
از خاک آب تحقق یافته حالا چگونه این میکروب  
صفیر میتواند ادرار حلقیق آن بوستان نماید  
و باغبان بین بر و حقیقت آن با غبان را ادرار کنند  
این واضح است نه مستحیل است ولی آن میکروب  
اگر هوشیار گردد احساس نماید که این بساغ و  
بوستان و این شجره و شکوفه و نمیخودی خود باین  
انتظام و کمال تحقق نیابد و همچنین انسان عاقل  
هوشیار یعنی نماید که این کون نامتناهی باین  
عظمت و انتظام بتنسه تحقق نیافته و همچنین قوای  
غیر مرئیه در حیز امکان موجود از جمله قوه اثیریه  
چنانچه که شت آه غیر محسوسه و غیر مرئیه است دولی  
از آثارش یعنی تمواجات و اهتزازش خواهد و حرارت  
وقوه کهربائیه ظاهر و آشکار شود همچنین قسوه  
نامیه و قوه حساسه و قوه عاقله و قوه دندره و قوه حافظه

تصادفی و ترتیب التزامی و ترتیب ارادی اما ترکیب  
عناصر کائنات یقین است که تصادفی نیست زیرا  
محلول بین علت تحقق نیابد و ترتیب التزامی نیز نیست  
زیرا ترکیب التزامی آنست که آن ترکیب از لوازم ضروریه  
اجزاً ترکیب باشد ولزم ذاتی از هیچ شئ افقاً  
نیابد لیکن لیکن که مظہراً اشیاست و حرارت که سبب  
توسعه هناء صریح شد افتاب که ازلزم ذاتی آفتاب است  
در این صورت تحلیل هر ترکیب مستحیل زیرا لازم  
دانی از هر کائن افقاً که باشد شق ثالث باقی ماند  
و آن ترکیب ارادی است که یک قوه غیر مرئیه نی که تعجب  
پقدرت قدریه میشود سبب ترکیب این هناء است و  
از هر ترکیبی کائن موجود شده است اماماً و کمالاتی  
از اراده و علم وقدرت و صفات قدریه که از برای آن  
حقیقت لاهوتیه میشماریم این از مقتضیات مشاهده  
آنار وجود دو حیز شهود است نه کمالات حقیقی آن  
حقیقت الوهیت که ادراک ممکن نیست مثلاً چون  
در کائنات ملاحظه نمائیم کمالات نامتناهی ادراک  
کنیم و کائنات در نهایت انتظام و کمال است گوئیم  
که آن قدرت قدریه که تعلق بوجود این کائنات  
یافته البتہ جاهم نیست پس میگوئیم که عالم است و  
یقین است که هاجز نیست پس قدیر است و یقین است  
که فیبر نیست پس غنی است و یقین است که محمد  
نیست پس موجود است مقصود اینست که این نوع  
و کمالاتی که از برای آن حقیقت کلیه میشماریم مجرد  
جهت سلب نقایص است نه ثبوت کمالاتی که در حیز  
ادرار انسانست لهد امیگوئیم که مجھول النعمت  
است ۰

باری آن حقیقت کلیه با جمیع نعمت و اوصافش  
که میشماریم مقدس و منزه از عقول و ادراک است ولی  
چون در این کون نامتناهی بمنظور اسع دقت میکنیم  
ملاحظه مینماییم که حرکت و متحرک بدون محرك  
مستحیل است و م محلول بدون علت ممتنع و محال هر  
کائن از کائنات در تحت تاثیر موثرات عدیده تكون

وقوهٔ واحده وقوهٔ کاشه این قوای معنویه کل غیرمسرئین  
 و غیرمحسوسین ولی با تارواضع و آشکار.  
 واما قوهٔ غیر محدوده نفس محدود دلیل بروجود  
 غیر محدود است زیرا محدود البته بغير محدود شناخته  
 میشود چنانکه نفس هجز دلیل بروجود قدرتست و نفس  
 جهل دلیل بروجود علم و نفس فقرد لیل بروجود غبنا  
 اگر فناش نبود فرقی نیز نبود اگر علی نبود جهنل نیز نبود  
 اگر نوری نبود ظلمت نیز نبود نفس ظلمت دلیل برخوراست  
 زیرا ظلمت عدم نیراست اما طبیعت عبارت از خواص و  
 روابط ضروریه است که منبعث از حقایق اشیا است  
 راین حقایق غیر متلبایه هرجند در نهایت اختلاف  
 است واژجهای درنهایت ائتلاف وغایت ارتباط وجیز  
 نظر را سمعت دهن ویدقت ملاحظه شود یقین گرد  
 هر حقیقت ازلوانم ضروریه سائز حقایق است پس  
 ارتباط و ائتلاف این حقایق مختلفه نامتناهی راجه است  
 جامعهٔ نی لازم ناهمجزی از اجزای کائنات وظیفه  
 خود را پنهایت انتظام ایفاناید مثلا در انسان  
 ملاحظه کن واژجز پایداست دلال بکل کرد این اعضا  
 و اجزای مختلفه هیکل انسانی ملاحظه کنید که  
 چقدر ارتباط و ائتلاف بیکدیگردارند هرجزی ازلوانم  
 ضروریه سائز اجزا است و وظیفه مستقله دارد ولی  
 جهت جامعه که آن عقل است جمیع را بیکدیگر جنان  
 ارتباط مهد دهد که وظیفه خود را منتظاماً ایفا مینمایند  
 و تعاون و تعاضد و تفاعل حاصل میگردد و حرکت  
 جمیع در تحت قوانین است که ازلوانم وجود یه است  
 اگر در آن جهت جامعه که مد براین اجزا است خلل و  
 فتري حاصل شود شبهه نیست که اعضا و اجزا منتظم  
 از ایدای و نلایف خوش محروم مانند و هرجند آن قوهٔ  
 جامعه هیکل انسان محسوس و مرئی نیست و حقیقتش  
 مجهول لکن من حیث الافار بکمال قوت ظاهر و باهر  
 پس ثابت و واضح شده این کائنات نامتناهی در جهان  
 پاین عظمت هریک در ایقاعی وظیفه خوش و قوى موافق  
 گردید که در تحت اداره حقیقت کلیه نی باشد

متناهیه و ترکیب این عناصر منفرد که منحل بصرور  
نامتناهی شده از حقیقتی صادر گشته که قادر الشعور  
و مسلوب الاراده نیست این در نزد عقل واضح و مبرهن  
است جای انکار نیست ولی مقصود این نیست که آن  
حقیقت کلیه را یا صفات اور امداد را نموده این نه  
حقیقت و نه صفات حقیقی اور اهیچیک ادارک نموده این  
ولی میگوئیم این کائنات نامتناهیه و روابط ضروریه  
و این ترکیب تام مکمل لا بد از صدری صادر که قادر  
الاراده و شعور نیست و این ترکیب نامتناهی که بصور  
نامتناهی منحل شده مبنی بر حکمت کلیه است این قضیه  
قابل الاشکار نیست مگر نفسی که مجرد بعناد والحاد و  
انکار معانی واضحه آشکار برخیزد و حکم آیه مبارکه  
ضم بک عنی فرم لایرجون ) پیدا کند .

و امام مسئله اینکه قوای عقلیه و روح انسان  
یک است قوای عقلیه از خصائص روح است نظریه  
متخلیه و نظریه متفرجه و قوه مدرکه که از خصائص  
حقیقت انسان است مثل شعاع آفتاب که از خصائص  
آفتاب است وهیکل انسان مانند آئینه است و روح مانند  
آفتاب و قوای عقلیه مانند شعاع که از فیوضات  
آفتاب است و شعاع آز آئینه شاید منقطع گرد و قابل  
انفکاک است ولی شعاع از آفتاب انفکاک ندارد .

باری مقصود اینست که عالم انسان بالنسبه  
بعالم نبات ماوراء الطبیعه است و فی الحقیقت  
ماوراء الطبیعه نیست ولی بالنسبه بنبات حقیقت  
انسانی و قوه سمع و بصر ماوراء الطبیعه است و ادارک  
حقیقت انسان و ما هیئت قوه عاقله ازیرای ما لم نبات  
ستحیل است و همچنین ازیرای بشر ادارک حقیقت  
الوهیت و حقیقت نشنه حیات بعد از مرد ممتنع و  
ستحیل اماییونات حقیقت رحمانیت شامل جمیع  
کائنات است و انسان باید در فیوضات الهیه که  
من جمله رون است تکروه تعمق نماید نه در حقیقت  
الوهیت این انتها ادارکات عالم انسانیست چنانچه  
از پیش گذشت این اوصاف و کمالات که ازیرای حقیقت

الوهیت میشوند این را از وجود و مشهود کائنات  
اقتباس کرده ایم نه اینکه بحقیقت و کمالات الهیه  
بن برد ایم اینکه میگوئیم حقیقت الوهیت مسدون  
و مختار است نه اینست که اراده و اختیار  
الوهیت را کشف نموده ایم بلکه این را از فیوضات  
الوهیت که در حقائق اشیا جلوه نموده است اقتباس  
نموده ایم .

اما مسائل اجتماعیها یعنی تعالیم حضرت  
بها الله که پنجاه سال پیش منتشر شده جامیع  
جمعیع تعالیم است واضح و مشهود است که مسنه  
تجاه و غلاح بدون این تعالیم ازیرای عالم انسانی  
مستحیل و ممتنع و محال و هر فرقه فی ازغالم انسانی  
نهایت آمال خوش را در این تعالیم آسمانی موجود  
و مشهود بینند این تعالیم مانند شجریست که میسوزه  
جمیع اشجار در ام موجود بتوحیل کامل مثلا غیلسوفها  
مسائل اجتماعی را بتوحیل کامل در این تعالیم آسمانی  
مشاهده مینمایند و همچنین مسائل حکمیه بتوحیل  
که مقابله حقیقت است و همچنین اهل ادبیات  
حقیقت دین را در این تعالیم آسمانی مشهود روا  
می بینند که با دله قاطعه و حجت واضحه اثبات  
مینمایند که حقیقت علاج حقیقی علل و امر را فراز  
هیئت عمومی عالم انسانیست اگر این تعالیم عالیه  
انتشار یابد هیئت اجتماعی عالم انسانی از جمیع  
مخاطرات و حل و امراض مزمنه نجات یابد و همچنین  
مسئله اقتصاد بهائی نهایت آرزوی عمال و متنبه  
مقدید احزاب اقتصاد است .

بالاختصار جمیع احزاب را بهره و نصیبی از  
تعالیم بها الله چون این تعالیم در کائنات در  
مسجد در سائر معابد ملل اخیری حتی بوده بیها  
و کوئی فیضیزیها و کلوب احزابها حتی مادیون اعلان  
گرد دکل اعتراف نمایند که این تعالیم سبب حیات  
جدیدی ازیرای عالم انسانیست و علاج فوری جمیع  
امراض هیئت اجتماعی ابدانفسی تنقید نتواند بلکه

بعد رد استماع بطریق آید و اذ عان با حمیت این تعالیم  
نماید و گوید هذا هو الحق وما بعد الحق الا اضلال  
المبین .

در آخر قول این چند کلمه مرقوم میشود و این از  
برای کل حجت و برها ن قاطع است تذکر رآن فرمائید  
که قوه اراده هر یاده هست گنی درایام حیاتش  
نافذ است و مجنین قوه اراده هر قیلسوفی در چند  
ساعات لامید درایام حیاتش مو نراما قوه رون القدس  
که در حقایق انبیاء ظاهر براست قوه اراده انبیاء  
بدرجه تی که هزاران سال دریک ملت عظیمه نافذ و  
ناسیس خلق جدید مینماید و عالم انسانی را زغالیم  
سابق پیمان دیگر نقل مینماید ملاحظه نمائید که چه  
قوه ایست این قوه خارق العاده است و برها ن کافی  
برحقیقت انبیاء و حجت بالغه برقوت وحی است  
و علیک الیها الابهی . حینا ۲۱ سپتember ۱۹۴۹  
عبدالبهاء عبان

قسمتی از تلغراف منیع مبارک مورخ سوام سیتمیر  
سنه ۱۹۴۹ اکه با فخرانی شریعت حات الله و مبلغ  
ام رالله جناب آقامیرزا طراز الله سمندری  
علیه بهما الله الابهی صادر  
گردیده است

REST ASSURED LONG AWAITING DAY  
REMOVAL RESTRICTIONS WILL DAWN COMFORT  
LONGING MUCH LOVED BELIEVERS WITH  
GLORIOUS NEWS WORLD WIDE PROGRESS  
FAITH RAPID CONSTRUCTION ARCADE SHRINE  
AS WELL AS ORNAMENTAL BALUSTRADE  
CROWNING IT PROFOUNDLY APPRECIATE YOUR  
EXEMPLARY CONTINUED HISTORIC SERVICES.  
SHOGHI.

مضمون بیان مبارک بغارسی چنین است :  
مطمئن با شید زمان رفع تضییقات که مدتها مورد  
انتظار بوده فراخواهد رسید یاران عزیزم شفاق را  
بشارت اتساع داده امرالله در اقطار عالم و پیشرفت  
سریع ساختمان ایوان مقام اعلی و طاری تزیینشی  
فوق آن مستبشر سازید ۰ ۰

خدمات مستدفتر تاریخی آن جناب راه نعمت قابل  
اقدام است ضمیما : تقدیر مینمایم ( امضا مبارک )

صورت تلغراف منیع مبارک مورخ ۲۵ اکتبر سنه  
۱۹۴۹ اکه در جواب عرضه تلغرافی  
اینچهل بمناسبت حلول عید یعنی  
سعیدین از ساحت مقدم  
صاد رگردیده است

FRIENDS LOVINGLY REMEMBERED

SUPPLICATING SUCCESS PLAN URGE IN-  
CREASING EFFORT

SHOGHI

مضمون بیان مبارک بغارسی چنین است :  
”بکمال اشتیاق بیاد یاران مألف و موفقیت  
آنان را در این بام نقشه آملم از دیاد مسافری  
لان و واجب ”  
امضا مبارک

*Translation of The Gleanings tablet  
dated 31 January 1949 to  
شماز روزانه*

Mrs Stewart Sims re. Daily Prayers  
لا ترجمه تر تریع منیع مبارک مورخ ۳۱ زانیه سنه  
۱۹۴۹ اکه با تشارامة الله مسین استوارت سیمس  
صاد رگردیده است . نقل از اخبار امری امریکا شماره  
۲۰ - ترجمه لجته ملی ترجمه آثار امری ( )

شماز روزانه راه رکس باید منفرد اثلاوت کند و غریب  
نمیکند که بلند یا آهسته خوانده شود . دراین مر

نماز جماعت نیست و قدر صلوٰة میت است که بهیئت اجتماع عخواند میشود ۰ هر چند مادر محافل خود را ادعا نمایند ولی احتمال این است که بعده فرضه ای است اندکاری و باید شخصاً ادامه داشته باشد این اتفاق نمایند لایه لایه از این اتفاقات کند ارادی آن کیفیت نخواهد بود ۰ اگر در حین نماز خود را محتاج می بینید که کسی را پیش چشم خود مجسم کنید حضرت عبد البهای را در نظر آورید زیرا بواسطه حضرت عبد البهای میتواند ناقص را بجامعته اعاده دهد و همچنین نیت و اراده این اتفاق را بآینه این اتفاق را بیند ۰ این رو هیچیک از محافل روحانیه ملیه هم قادر نیستند درباره طرد روحانی و با اعاده احتمال بجامعته تجدید نظر نمایند و تنها وظیفه محل روحانی ملی آنست که هر وقت بآناقض مواجه گردند موضوع را بحضرت ولی امرالله عرض کند و وجود مبارک بنفسه درباره او تصمیم اتخاذ خواهند فرمود ۰ حیف است بعض از اصحاب غرب از روی کمال سادگی و سلطنت این حقیقت را کامل درک شمایند که مطلقاً هیچ امری ناقضین را اعم از آنکه ناقضین عهد و میثاق حضرت بهای الله و با حضرت عبد البهای باشند از شریعة الله خارج نمیکنند مکلفت و مرض روحانی داخل خودشان ۰ و اگرچنین نتوس از مرض رهائی یابند و سالم گردند و خواهند در خدمت امرالله وارد شوند باید رأساً بحضرت ولی امر راجعه نمایند و حضرت ولی امرالله اخلاص آنان را قضاوت خواهند فرمود و اتر واقعه ا نایبه شان از روی خلوص باشد آنان را در صفت ثابتین وارد و محشور خواهند فرمود چنانچه نسبت به سیدنی اسپریک تلمیین معامله را فرمودند ۰ همان شانه ناشی شد که هریض است بصرف ادعای اینکه من بیمار نیستم رفع نمیشود بلکه وضعیت و علامت بهبودی مریض باید باین معنی گواهی دهد ۰ یعنی دلیل مردم دنیا هیچ گروهی نم زبان تراز کسانی که در زوایای قلب و درسلوک و اعمال شان دشمنان مرکز عهد و بیمان اندیافت نشود و همچو دسته‌ئی از نفوذ بهم باین اندازه نماید و کوس

*Translation of Gicardian's tablet to  
the N.S.A. of طرد روحانی dated ۱۴ April ۱۹۴۹. Published in  
Baha'i News No ۲۲۰.*

( ترجمه توقيع منيع مبارک مونخ یازدهم آوريل سن ۱۹۴۹ که با منتشار محل مقدس روحانی ملی بهائیان امریکا صادر شده ۰ نقل از اخبار امریکا شماره ۲۰ ۰ ترجمه جناب ذکرالله خادم )

حضرت ولی امرالله مانند مخلف خویش حضرت عبد البهای نظر مبارکشان آنست که مناسب نیست باحدی یام محل اجازه داده شود نفس را از امرالله طرد نمایند ۰ در اینجا فرق مییند است بین محرم شود شخص از حق انتخاب که در حقیقت تنبیه شدید انتظامی است واعلان طرد، نفس که در ظل امر بوده و حال بعوض روحانی مبتلا کرد یا... بعبارة اخیر نفس که حضرت عبد البهای مرض روحانی اور اقبال از صعود مبارک در آخرین تلغراف خوش بامerican باین نحو وصیف فرموده اند که "هر کس با مجدد نمایند بعد این مبتلا گردید" حضرت ولی امرالله در سنوات اخیر ملاحظه فرمودند که اساس محادل



فقدان علم و تجربه که ظاهر امود میل و مطمع نداشت  
است باید هیچ نفس راکه از رای قیام به تبلیغ  
پیشقدم و پیش آهنگ است مستقل از قیام بازدارد و  
یامانع وحائل شود که قوائی راکه حضرت عبد البهاء  
کرا را بمالطینان فرموده اند همینه بکار رود مانند  
مفتاطین جاذب تأییدات موعده لا ربیبه حضرت  
بهای الله از استفاده منزع گردد . چنین نفس  
باید منتظر هیچ گونه دستورات و امتراع هیچ گونه  
تشویق مخصوص از طرف نمایندگان منتخب جامعه  
خوش شود و با سبب هیچ گونه موانع که اقسام  
و یا هموطنانش بخواهند در سبیل او ایجاد نمایند  
از مقصود بازماند و یا آنکه توجه و اعتنای پذیرفت  
خورده گیران و تنقید دشمنان و متنفذین دین  
خوش نماید .

اکنون جامعه بهائی در ایران در مقابل یک  
وظیله بزرگ و مشمولیت خطیر قرار گرفته است  
که قصور در اجرای آن عواقب وخیمه ئی را برای  
بهائیان ایران در بردارد و بالعکس موقتیست  
در اینهای آن با حصول فتوحات عظیمه روحانیه  
و نزول مawahib والطف رحمانیه مقرن خواهد بود  
باید در این دعا و مناجات از درگاه محیوب  
ابهی رجا و تمنانمود که جامعه بهائیان ایران که  
در طی یک قرن جانبازی و ندادکاری در راه سعادت  
عالی انسانی بزرگترین سرمش اخلاقی را بجامعه  
بشری داده اند در اجرای نقشه عظیم تاریخی که  
بر عهده گرفته اند موفق و موید گردند تام صداق  
این بیان احلى ظاهر و بود اشود قوله عزیز بائمه :  
”یومئذ يفرح المؤمنون الراسخون بنصر الله و  
ینبع المبطلون المکبون ”

در خاتمه این بیان شرائیکیزود لریای حضرت  
مولی الوری رازیت بخش این مقاله میسازیم  
قوله العزیز :  
”ای آوارگان سبیل حق سرو امان و آسوده ”

مشروعات خطیره در مستقبل ایام گرد د ونظم جامعه  
را مخلع نماید و باران شرق و غرب را متصرف و مجزون  
گرداند و لطمه ئی شدید به تاسیسات و اقدامات  
وجهودات باران در آسامان وارد نماید ” بنا بر این  
بيان مبارک هر مومن مخلص که تصور تحقق چنین  
اندادات شدیده ئی روح و قلبش را میگرد ازد و بعبارة  
آخری سلب تأیید و عدم تحقق و تعطیل و تعویق  
وجود الهیه اورا مضطرب میسازد وازدیاد جسرات  
و جسارت مغلین و مفرضین و محركین را نمیبیند و  
و با خیر و ترویج مشروعات خطیره و اختلال نظم  
جامعه . و تأسف و حزن باران شرق و غرب . ورود  
لطمه شدید به تاسیسات و اقدامات و مجهودات  
باران را روانیده اند باید بجان و دل با هتمام  
تعام بر اجرای این نقشه عظیم تاریخی همت بگارد  
و در این سبیل از هیچ مشکلی نهرا سد و هرمانع  
رادعی را به قوه توکل و اعتماد بحق ازیش پای  
بردارد زیرا بحسب بیان مبارک :

”بجامعه های بهائی بكمال انتظار مراقبند  
و شائیش که طبق نقنه بعهده جنود مجده – پیروان  
ام رالله در موطن حضرت بهای الله محل گشته بمحروم  
شایسته انجام بدید ”

البته ممکن است هر یک از افراد مومنین جامعه  
بیهائی مشاکل و موانع در زندگی خوش ملاحظه  
نمایند که وجود آن موانع را برای اجرای امر اصلی  
شجرت سدراء بینند ولی این بیان مبارک مسولاًی  
محبوب بیهمتنا اروح العشاق لعظمته الف داده  
ثابت و مبرهن میسازد که در سبیل هجرت همیش  
مشکل و مانع وجود ندارد و یقه ایمان میتران  
شوكلا علی الله و مستظرها بعنایاته نزک اوطسان  
شود و رضای حضرت منان را کسب کرد قوله الامانع  
الاحلى : ( ترجمه )

”نه اوضاع تهدید کننده عالم و نه ملاحظه  
تقدان وسائل مادی و عدم اتصاف بكمالات و

کوچکترین مواضع منبوطه بجوانان مشورت و تبادل افکار نموده و در اجرای تصمیمات خود استراحت مساعی مینمایند اهم مذاکرات این جلسه در - خصوصیات هاجرته و تبلیغ - اعزام مشویین - تزیید معلومات امری جوانان - اختلالات تبلیغی بوده است \*

### کرمانشاه

بطوریکه از راپرت لجه محترمه بیوانسان کرمانشاه مستفاد نمیشود اخیراً کلاس‌های معلومات امری تحت سرپرستی جانب فاضل مازندرانی و نیز اختلالات تبلیغی و اختلالات ثابت جوانان در آن نقطه دائره مورد استفاده کامل قرار گرفته است \*  
طهران

لجه محترمه جوانان بهائی طهران اخیراً برای شرکت در اجرای نقشه جلیله پنهان و پنجماه مهاجرت که مدت آن نزدیک با تمام است اقدامات قابل ملاحظه ای بعمل آورده وازانجمله سه هیئت ذیل را تشکیل داده اند :

- هیئت تعلیم فنون بمهاجرین : این هیئت اقسام صنایع یدی را بکسانی که حاضر بمهاجرت باشد در عرض مدت کوتاهی تعلیم میدهد تا ایشان در نقطه مهاجرتی بتوانند بادست رفتن خود امرا معاش نمایند \*

- هیئت ارتباط بامهاجرین : که تاکنون با بسیاری از مهاجرین جوان بمعکابه پرداخته و مقداری کتب نیز بایشان هدیه نموده است \*
- هیئت تشویق بمهاجرت : که برای انجام وظیفه خوش افاده این بنا سیس کنفرانسها و جلساتی کرده است \*

امید است سایر لجنات محترمه جوانان نیز هم خود را در مرحله اول معطوف با اجرای این نقشه

و آزادگی هرجند کام دل و راحت جان است ولی آزدگی و آوارگی در راه خدا به ازصد هزار سروسامان چه که این غربت و هجرت موهبت ازی دارد و رحست پیمان نیز لذت آسودگی در روطن و حلا و ت آزادگی از محنت بگزد ولی موهبت هجرت در سبیل حضرت احمد پیغمبر و ائمه و مستبرو و نتایج عظیمه از آن مشهور \*\*\*

### نقش مهاجرت

در آخر مهرماه سنه ۱۳۲۸ می‌شمس و شش ماه و دوازده روز از روز تصویب نقشه چهل و پنجماهه مهاجرت گذشته و همان و همچو روز تابایان آن باقی مانسته است

### قسمت جوانسان

این قسمت تحت نظر لجه ملی جوانسان بهائی ایزان اداره میشود

( اخبار داخل ایران )

### کاشیان

جوانان قسمت امری کاشان بیست و پنجمین انجمن شریعتی خود را تشکیل و در خصوص امور مربوطه بجوانان شریوت تصمیمات مقتضی اتخاذ نموده اند \* نمایندگان ۶ قسمت در این انجمن حضور داشتند - جوانان قسمت امری کاشان مربطاً جلسات انجمن شور خود را تشکیل داده و حتی در

سیمه فرمایند تا انسا، الله قبل از انتقامی میقات  
محین موفق باتمام و انجام آن گردند.  
رسنجان

داشته دراینمدت ۳ نفر از جوانان شیرازیه خان  
ایران و دوئر به دو نقطه قسمت امری فارس هجرت  
اختیار نموده اند ۸ نفر نیز مشغول اقدام و تهیه  
مقدمات هجرت بداخله میباشدند جوانان شیراز از مر  
مبارک را بوسیله تشکیل بیوت تبلیغی - احتفالات  
تبلیغی - جلسات تحری حقیقت به مبتدیان  
و طالبان حقیقت اعلان و توشیذ مینمایند - تعداد  
اینگونه نفوس طالبه الحمد لله زیاد است.

احتفالات جوانان دائره سجمع جوانان هفته ای  
یکشب مفتح انجمن علم و ادب هر پانزده روز یکبار  
تشکیل میشود جوانان زمین ورزش و وسائل ورزش  
نیز در اختیار دارند - کلاسهاي هنری خیاطی و  
گلدوزی توسط دشیزگان جوان بهائی و کلاسهاي  
انگلیسی و مشق نقط نیز دائرگردیده است.

لجنه جوانان شیراز گشته از آنکه خود در تربیت  
و اداره امور مربوطه بچوانان ساعی هستند دارای  
۹ کمیسیون مختلف میباشدند که هر کدام دارای وظائف  
بخصوصی بوده و بالجنه جوانان همکاری مینمایند.

## آلمان (خبرخان ایران)

سومین مدرسه تابستانه جوانان بهائی آلمان  
با حضور ۶۰ نفر از جوانان در دره زیبای جنگل بنام  
جنگل سیاه تشکیل واژ ۳۱ جولای تا سوم ماه اوت  
ادامه داشته است. لجنه ملی جوانان بهائی  
آلمان ضمن رایرت خویش متذکر شده اند که در سال  
قبل نیز مدرسه تابستانه در آلمان تشکیل گردیده  
ولی در سال ماض بواسطه اشکالات عدیده لجنه  
جوانان از تشکیل مدرسه تابستانه صرف نظر نموده  
و در عرض اوقات تعطیلی جوانان صرف ساختمان  
حظیره القدس فرا نکھوت شده است ولی خوشبختانه  
دراین سنۀ اوضاع مناسب نزیرا نیکالات اساسی وجود

طبق رایرت د و ماهه خرد آد و تیر لجنه محترمه  
جوانان بهائی رسنجان و نفر از جوانان بهائی  
کرمان مسافرتی بر رسنجان نموده اند و با کمک لجنه  
جوانان رسنجان موفق شده اند در حسن آباد یکی  
از نقاط اطراف رسنجان لجنه جوانان ناسیم  
نمایند - احتفالات عمومی در رسنجان تشکیل  
میشود و کتابخانه نیز برای استاده عمم احباب مفتح  
است.

رایرت سه ماهه اخیر لجنه جوانان بهائی شیراز  
حاوی اقدامات و فعالیت‌های قابل تقدیر است.  
لجنه جوانان شیراز یکی از لجنات فعال وسایی بوده  
وک شته از آنکه امور محلیه جوانان را در شیراز بشنو  
مطابق اداره مینماید بانفاط دیگر قسمت امری فارس  
که دارای لجنه های جوانان بوده و با جمعیتی ای  
بهائی وجود دارند ارتباط خود را حفظ نموده است  
از ۲۴ خرداد الی ۲۴ شهریوریه ۱۰ نقطه امری

فارس مشوقین اعزام داشته و در و محل آن نیز  
کتابخانه تاسیس نموده است بمنظور ارتباط با جوانان  
چهار نقطه دیگر با محاذل روحانیه آن نقاط تناس  
حاصل نموده است بامکانیه را با ۱۵ نقطه که  
دارای جمعیت بهائی است مفتح نموده - مقداری  
کسب به کتابخانه های جدید التاسیس و مقداری  
لوام التحریر به نقاط اطراف ارسال داشته است.  
در خصوص امر هجرت نیز جوانان بهائی شیراز  
برنگذ لجنه جوانان شیراز اسما ۱۶ نفر از  
دو طلبین هجرت را که نتیجه تشکیل احتمالی بمنظور  
توفیق به هجرت بوده به لجنه مهاجرت شیراز ارسال

نموده و بایداری کند زیرا این مقالی و کوشش ضامن وجود شخص او بیز میباشد.

برای بهائیان بوجود آوردن چنین جهائی جزء مسئولیت‌های دیانتی بوده و وظیفه آنان در این خصوص سنگین تراست.

دفته دم مدرسه اختصاص بمعطاله درخصوص ترقیات و پیشرفتهای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی قرن اخیر داده شده بود و بحث در اینکه دیانت بینهای سرچشمه کلیه فضائل و کمالات انسانی بوده و وسائلی در دست ممکن‌آرد که میتوانیم بینهای نفس خودین بزم - ظهور حضرت ربه، الله حقائق اساس ادیان سالنه را به رز جدید بودیم برای ما مشهود می‌سازد که کافی است سعادت بشر بوده و جمیع مسائل اصلی نظم عمومی را حل میکند. بخلافه مطالعه و بحث و مشاوره در مواضع مختلفه انواع تحریفات و وزشانیزد مدرسه اجرا می‌شود بخوبی آتشی که در خیمه ناه افرخته می‌شود خاطرات بیرونی از گذشته را بیاد می‌آورد که فراموش شدن نیست.

موقعیت مناسبی که برای اعلان امر بجهانان غیرهای تو، بدست آمد بحث و مذاکره باعده ای از جوانان عضو (تشکیلات مستقل جوانان آلمانی) که در محوطه جنگل مسافرت می‌کردند بود. در اختتام مدرسه تابستانه نهضت درخصوص و اینکه (چگونه میتوان حیات بهائی داشت) ایراد شد که بر اطلاعات و معلومات قبلی از اعده شد.

در ابتدای مدرسه تابستانه امسال نیزد ورده بخصوصی در تحت نظر مستر وینمان از اهالی اسلینگن که معلم مدرسه میباشد برای عده زیادی از اطفال ترتیب داده شده بود و هنگام اختتام این دوره مستر وینمان شرحی از تجارت و تئاریخ زیادی که از یک هفته تدریس در مطالعه دریک جمیع هم سن و خوشحال که اغلب آنها غیر

نداشته است. در نطق افتتاحیه ای که دکتر روسمن بیان شود چنین گفت که کلیه اقدامات و فعالیت‌های جوانان ببروی اساس مطالعه در تعالیم و مبادی امر وساجهه با انتکالات وسائل زمان حاضر می‌باشد وی اذ اف کرد که حتی جوانان کم سال تر نیز بایستی در این ام سئولیتی که حضرت بهاء اللہ برهم نمایند. نشیش گذشت ملک شرکت جویند و وظائف را که بجهائی بود، است اجره تسویه نامه تأسیس نظم بین جهان آرا اشتراک مساعی نمایند. ناطق سپس درخصوص عظمت مهد و میثاق الہی، ببروی محركه عظیمی که در هر نهضت جدیدی ایجاد می‌گردد و وعودی که درباره ارتفاع کلمة الله و نتائج این عصر جدید داده شده سخن راند و گفت گرچه این نظم بدین احتمال است بدون قید و شرط افراد و اجتماعات را ایجاب مینماید ولی مردمان این صراحتاً داده در مقابل آن قرار گرفته اند زیرا هم میتوانند در سایه این نظم آسمان مسکن گرفته و مأوى گزینند و هم میتوانند از قبول آن خود داری نمایند لیکن استقلال و تحری از داده اساسی را بخط جدیدی ایجاد که میان خود و بندگانش برقرار خواهد بود. دکتر روسمن این موضوع را از لحاظ اهمیت آن در آینده مورد نظر قرار داد و تشریح کرد که کلیه اقدامات و مساعی ما ببروی پایه فکر و علم قرار گرفته واستوار شده است و این خود توجه اندازه در راه خدمت بخود امکید واقع می‌گردد - برای بهائیان این موضوع نبایستی فقط فرمایته ای بوده بلکه همواره یک تبادل دائمی میان خدمت و تفکر برقرار بوده و در راه تاسیس نظم بدبیع آسمان از تحری و کوشش‌های خستگی ناید برای درین نهایت - افراد نه تنها نبایستی از جنبه شخصی برای خود ظهور و نوعی قائل شوند بلکه محل و محیط خود را از روح زندگ و فعال اجتماعی نیز سیر آپ و پرخورد ارگزند فرد بایستی با مسائل و مشکلات نظم عمومی برای بررسی

معروفند برآمامت فرزند دیگر شیخ زاده متفق شدند و  
مورخین اهل تسنن از عرقه نایمه بملحده صباحیه  
تعییر کردند و در سنه ۶۷ بخیات صلاح الدین  
ایونی روغات العاشرید لدین الله خلافت علویه در مصر  
انقراف ریافت و دولت صباحیه نیز در سنه ۶۵ باستیلاه  
هلاکخان برایران متعرض شد ولکن امارت بلاد -  
قهوستان غالبات از مان سلطنت شاهنگ گورکان در پرد  
صباحیان بوده و ایونا هدابیه ازا سماعیلیه  
در قهوستان و کرمان یاقینه و اغلب این شیعه در بلاد  
هند و سنان متوطنند و سلسله امامت نایم زمان در  
خانواره شاه خلیل الله و فرزند انش باقیست و از  
اسمعیلیه مصونیز طائمه بهره در هند و سنان  
معروفند و تقری وحسن سلوك و تمسک پیرویست  
غالباً موصوف و اماکنی از شیعه که بعد از وفات  
حضرت صادق امامت را بوصیت آنحضرت حق حضرت  
موسی دانستند سلا بعده سل معتبر با امامت ائمه  
ائمه اثنا عشر شهادت و بین المسلمين باسم امامیه را ثنا عشره  
تخصیص یافتند و این طائمه بقائمیت حضرت  
حجۃ بن الحسن علیہ السلام معتقدند و بخرافات  
عجیبه جا بلقا و جابر صادقینه الخضاوه مدعون و در  
مدت دوست و شصت سال ایام حیات ائمه هدایتی  
فرق دیگریز که اسمی ایشان در رکب ملل و نحل  
و تواریخ ثبت است از شیعه ظهور یافت وس از زمان  
قلیلی بشیعه مذکوره سابقه ملحق گشت و سبب این  
بود که هریک از سادات اهل الیت که برای طلب  
خلافت خروج مینمود جمعی بیوی ملحق میشدند و  
بامامت او اذعان مینمودند و چون خلافت مطلوبه  
حاصل نمیشد در حرمسائر مذاہب مستغرق و مفقود  
میگشند و هدکه ادروغات هریک از ائمه هدایتی  
اینگونه اختلافات حاصل میشند و چون مبنی بر شباهات  
وصایت و امثالها بود بسرعت زوال مییافت و اهل  
سنت و جماعت چون اساس مذکوی ایشان برخلاف غالبه  
ظاهره و اعتراف بحقیقت خلافت خلفای را شدین بود

بهائی بودند و اکنون بخانه های خود مراجعت  
میکنند بیان نموده  
قابل توجه لجنات محترمه جوانان

چون اخیراً سالنامه جوانان بهائی ایران مربوط  
بسنوات ۱۹۰۰ ابدیع منتشر ویرای ارسال  
بولايات آماده شده است لذ از عزم لجنات محترمه  
جوانان مستعدی ایست احیای آله و جوانان بهائی  
را پیشید قبوض قبل از انتشار این سالنامه تشویق  
و ترغیب نموده و سریعاً وجوه جمیع آوری شده و صورت  
اسامی خردیاران را بانضمام باقیمانده قبض و قبوض  
پایین لجه ارائه ارسال فرمایند تا بتعداد الام نشان  
سالنامه فرستاده شود

### قسمت تاریخی

نقل از کتاب "مرائد" تالیف جناب  
ابوالفضل کلبایی گانی

( پیوی از شعاره سوی )  
ومدینه قا هره که اتنون عاصمه ممالک مصراست  
بامر المعز لدین الله الا سماعیلی که اشیخ وارشد  
خلفای علویه بود بنیافت و دار الخلافه خلفای فاطمیه  
گشت و از آثار خلفای علویه جامی از هر که اکبر وا شهر  
جوامن اسلام و هرساله محل تحصیل و تکمیل ده هزار  
طلبه علم است وهم مشهد رأس الحسین علیه السلام  
که مزار و مطاف عاصمه سلمین است الی یومنا هداباقی  
است و چون در سال ۱۸۷۴ هجری مستنصر بالله  
سماعیلی پس از شصت سال خلافت وفات یافت شیعه  
سماعیلیه نیزید و فرقه منقسم شدند اهل مصروفین و  
محرب برآمامت فرزندش ابوالقاسم احمد بن المستعلی  
بالله انعام کردند و اسماعیلیه ایران که پمکون الجبال

انبیاء و رسول و ائمه جمیع عباد حق تعالیٰ بودند و ابد اقاد ربرا یصال خیری یاد فضیل ضری نیستند لای د ر موقع رجا وغیره گفتن یا رسول الله و یا شیخ عباد القادر و یا علی و یا حسین و امثالها شرکت و تعظی قبور و مشاهد ایشان نیز شرک و در حد عبادت او توار است و محاره با منشک اهم فرائض اسلامیه است تاحق تعالیٰ وحدة عبادت کرده شود ۰ وبالجنب چون این مذهب را که با افتقاد اسلام خالی شوائب بود تا سیمی نمود قبائل عرب را بآن دفع کرد و امیر نجد ابن سعود که به شهامت و شجاعه و کرم نفس موصوف بود دعوتش را بیندیرفت و سبب این مذهب در بلاد نجد در سنه ۱۱۷۱ هجر انشار بلیغی یافت و قبائل احسا و بحرین وقطب در حوزه اتباعش در آمدند و بعد از بیوت این سعر فرزند شعبد العزیز که وی نیز مانند پدر شجاع رکنفس بود در نشراین مذهب قیام و ای نمود و در آن دک زمان بحرین شریفین و بلاد یعنی ویر عرب استیلا یافت و چون برونق عقیده خود احترم کنند گان مشاهد مشرفه را منشک میدانست لهذا فتح مکه و مدینه و کربلا و تجف و قبرهای من المشاهد نسبت بقبور ائمه هدی و خدمه وزوارشان امرنا امرتک شد و مبنای فتوحات خود را بر قسالت قلب شدت و صرامت نهاد و بر نفس رحم ننمود و اخیراً شفت و فتوحات بشجاعت ابراهیم پاشا خدیوم صور منطقه و یا مارت نجد اکتفا نمود والی حین اهالی در عین وسایر بلاد نجد باین مذهب باقیند و درداد امام مذهب محسوب ۰ و خلاصه القول از این جمله کیفیت انشعاب مذهب من حيث الاصل محلمن و امام من حيث الفروع سبب تعدی مذهب بحقیق شافعی و مالکی و حنبلی در میان اهل سنت و جماعت و مذهب جعفری در میان امامیه و اسماعیلیه و هدایت اسایر العذاه ادب بر اهل علم و اصحابت و محنث بتفسیر نیست ۰ زیرا که چونه احکام الہمیه از میں

من حيث الاصل در مذهب فيما بین ایشان اختلافی نه ننمود ولکن چون علم منطق و جدلیات که از آن بعلم کلام تعبیر نمیشود در قرن د و هم و سیم شیوع یافت لذا فرق علمیه متعدده از قبیل اساعره و معتزله و کرامیه وغیرها ظهر ننمودند و رسائل طفیله منازعات کبیه بر سار کردند و عرق و شیعه متعدده متفرق و منقسم گشتند و اخیراً بسعی این منصور باتریدی که از ائمه علم کلام محسوب بود و امام الحرمین جوینی وغیره ما ایشان اختلافات زائل شد و معتقدات اهل تسنن بزمیزان واحد که در عقائد نظری مسطور است استقرار یافت ۰ و عرقه خواج نیزد رطول ایام خلافت امویه و عباسیه بسبب بعض اختلافات جزئیه میان ایشان مذاهبه متعدده ظهر یافت و اخیراً بر عرقه ابااضیه که انسه بر این فرق استقرار یافت و قاعده کل مذاهبه خوارج حب شیخین و تبرای از صهرین است ۰ و در ممالک مغرب جمعی تیرا ز خواج الى یومناهذا ابا قیند و در مذهب خود راسخ ۰ و در ممالک شرق نیز جمیع کثیر از خوارج موجود نه و نوعاً استقلالی دارند و مرکز امارت شان مدینه مسقط است بر خلیج عجم و امیرشان بامام مسقط معروف است وازراری که میرزا عبد اللطیف شوشتی در تاریخ خود ذکر نموده است امیر مسقط بغایت مواطن شریعت است و موصوف بحسن روشن و عدالت ۰ و عده اصول مذهب اسلامیه بر عرق مذکوره منحصر بود تا آنکه در قرون اخیره مذهب وها بیه حداث شد و این مذهب نیزد رقون سابق شهرتی عظیم یافت و اجمالاً کیفیت آن این بود که محمد بن عبد الوهاب که از نهایا و فضلاً علمای اسلام محسوب میشد و بر مذهب این خلیفه نعمان بن ثابت مدتی در بلاد شام وغیره تلمذ و تحصیل مینمود چون محبت اهالی هریک از مذهب مذکوره سابقه را نسبت برو سما و ائمه آن مذهب بحد غلو و مبالغه یافت بتشكیل مذهبی جدید قیام نمود را ساس آن این بود که عبادت غیر الله تعالیٰ ورجای نفع و مدد از ایشان شرکت و

بودند نه خدا و طالب ریاست بودند نه دیانت  
لذ افالبا باختراع بادات باطله پردازند و  
مصطلحاتی خار از اصول دیانت نا میس نمودند  
و بانواع حیل قاوب ملوک و امرارا پخورد مصروف  
ساخند نا آنکه همت ملوک در نشر عالم فتوحات  
و نشر معارف بعیوبیت مشایخ مبدل شد و اندک  
اندک انوار علم فارب و ظلال تصوف مستولی کشت  
و طرق کثیر و شیعه حدیده از قبیل شاذ لیسته و  
و نقشبندیه و قادره و چشتیه در میان اهل تمنن  
و نعمه الله به و جلالیه و ارسیه و نیرهاد ریسان  
اہل تشیع ظهر ریافت و هریک از این سرق  
شیخ خود را غوث اعظم و مظہرات و مرکز دائرة  
وجود و حقیقت ظاهره معیوب دانستند و مهد وست  
نوعیه ایشان قائل شدند چنانکه مولوی جلال الدین  
بلخی المعروف بالرومی در متلوی بصر احالت  
گفته است

پس بهر دوی ولی قائم است  
از مایش تاقیامت دائم است  
مهدی و هادی وست ای راه جو  
هم نهان و هم نشسته پیش رو  
پس امام حن قائم آن ولی است

خواه از نسل عمر خواه از علی است  
و عاقبت حسن ثلن امرا و ملوک بمشایخ و رواسای  
صوفیه و گوشه گیران و مرتاضان بدان پایه رسید که  
در مهمات عالیه همت از ایشان میطلبیدند و توجه  
ایشان را در بلوغ بمارب و مقاصد کافی میدانستند و  
نتوات خود را معلق و منوط باراده و مشیست  
ایشان میشمدمند و حکایت سلطان محمود سبکتکین  
وزاهد آهنویش وابویکن سعد زنگی و خرندگان  
اسطبل که در تاریخ و صاف مذکور است از شوارد  
مضحك است که عاقل را بر افتخار امت نیک متنبه  
میدارد و بر مقدار اندیع نغوس از این فواعده  
آگاهی میبخشد (بقیه دارد)

حقیق است فهم نگرد و محول باستنباط ارباب  
امتهاد شود و جز اعظم احکام ازاحدیش که در فرن  
زم و چهارم تدوین یافت ماخوذ آید ناچار باختلاف  
آراء و تعدد مذاهب مبنی خواهد شد و مرکز  
تساوی که عماد دین ورکن اعظم عدالت است اهتمال  
و اختلال خواهد داشت و مآل حال امت بد آنچه امروز  
شهره هر دی پصاریست منجر خواهد کشت  
و اماکنیست الششار علم و معارف اولا و ظهور تصوف  
دانشاق امت اسلامیه بفرق صوفیه و هبوط معارف  
و بنون علمیه آخر اجمالا براین گونه بود که چون  
ترفات اسلامیه وسعت یافت و خلافت عربیه راسخ و  
تامن گشت بمعنی خلایق عباسیه در بود و مرکز  
بکوشش خلایق امویه در اندرس و بجهد خلفای  
ناطمیه در مرصوق معارف تفاوتی جلیل یافت و بازار  
شدن رواجیں جزیل گرفت و کتب فلسفه یونان و رومان  
بصر و کلان بلسان هرین ترجمه شد و ملوک و امراء  
داریویه همانها بناهادند و رتبیحل و تنظیم و تنشیط  
اصل علم غایت سعن را اظهار داشتند را کا بر مصنفین  
و زعلم متوجه فلسفه و طب و فلکیات و ریاضیات و جغرافی  
و هم در علم ادب وغیره ها کتب نعیسه تصنیف نمودند و  
جمعیت ممالک و بلاد اسلامیه رامن المشرق الى المغارب  
انوار علم را هریم نور داشتند ولکن یا اللامف که  
هزوز اشجار با سقے جدیده الغرس معارف بشمر  
رسیده بود که خارت زهد در یوستان ملت بیضا بروئید  
بروض تصوف که بمنزله فلج و شلل هارض اعضای  
سلبیه هر ملت شد بکلی نشاط و تقدم و قلبیه و نیوزد را  
زدن زائل مینماید عارض ملت اسلام گشت و جمیع  
کسری با اسم ریاضت و تصفیه نعم باز کار و عبارات  
وقع العاده پرداختند و قلوب ملوک و سلاطین را پزدید  
و نتشف پخود مایل و مصروف ساختند واگرچه والحق  
شلل بعض از کبار رجال از این فرقه ظهور سافت  
سبب زدن حقیق مرایای قلوب جمیع بانوار  
حقیقت متجلی گشت لکن چون غالب عابد هم روی

## خبرخان ایران

هندوستان - پاکستان - برمہ - آقای دکتر لقمانی  
به سیلان - آقای ثابت به سیام واندومنزی  
مسافرت نموده اند و تصمیم گرفته شده است که ۲۴  
مرکز بهائی بمحاذل روحانیه و جمیعتهای بهائی  
تبدیل گردد - امثال لجنه ملی جوانان و  
مدرسه تابستانی بکمک لجنه محلی جوانان در  
هندوستان - پاکستان - برمہ فعالیتهای شایانی  
نموده است - از بین اطلاع میدهد که آقای  
دروی AWERLIWALLA

جلد کتابچه هائی که اطفال در مدرسه برای  
تمرين دروس بکار میبرند تعالیم دوازده کائے  
حضرت بهاء الله را طبع نموده و سیصد هزار نسخه  
از آنها را در شهرهای مختلفه هندوستان منتشر  
نموده و بیست و یک هزار نسخه به برمہ فرستاده  
شده والبته این آقدام توجه هزاران هزار محصل  
را به امیرهائی جلب مینماید .  
مصطفویان - در مصر علیا یک محفل روحانی به  
موجب نقشه پنجساله تشکیل شده - تمام محاصل  
روحانیه در اجرای نقشه پنجساله پیشرفت امرو  
اعزان نعمت بهائی بنقاط مختلفه که تابحال افراد  
بهائی در آن نقاط نبوده اند مجاهدت مینمایند  
فرانسه - اخیراً کتابی موسم

THE GLEANINGS FROM THE WRITTINGS  
OF BAHAI'U'LIAH

از اطراف خانم ادیت ساندرسن که از احبابی قدیم  
فرانسه (پاریس) است انتشار داده شده  
کتاب مزبور که بعناسه ترجمه شده برای فرانسه  
زبانان قابل توجه واستفاده است .  
آلمان - مدربه : ۱۰ میانس تشکیل گردید  
و نعمت بهائی از امریکا و زیرو به آلمان مسافر  
نموده اند .

۱- ناطق بهائی در کلیسای موحدین  
(نقل از اخبار امری امریکا شماره ۲۲۰)

امه الله میلا و نمتحده نهاینده جامعه  
بین العلی بهائیان در جامعه ملل اخیراً رمیدان  
کلیسای موحدین در کنی از مشهورهای پنسیلوانیا  
راجح بتاریخ و تعالیم دیانت بهائی کنفرانس منعقد  
نمود واين کنفرانس در روزیانزدهم ماه مه ۱۹۴۹ -  
منعقد شد . واژطرف عده زیادی از موحدین و  
ساپراهالی باعلاءه زیادی سوالاتی بعمل آمد  
و جواب کافی داده شد .

توضیحات امة الله میلا و متحده بین اندازه در  
مستحبین مؤثر واقع گردید پطوریکه از طرف یکی از  
محترمین از مشارکیه داده شده که در حضور  
جمعیت زیادتری در کلیسای موحدین کنفرانس  
بدهند .

آخبار امری زنومونی زون واگست ۱۹۴۹

امریکای مرکزی و جنوبی - در سانتیاگو تسلیلات  
بیشتری برای اجتماعات و انعقاد جلسات ملاقات  
عراهم گردیده و در اکنون نقاط جمیعتهای بهائی  
تشکیل شده است اخبار واصله از مرکزیک و پاناما  
حاکی است که اولين محفل ملی در امریکای مرکزی  
تشکیل شده .

ارض آلاسکا - در نقاط مختلفه افرادی بدیانت  
بهائی موقن شده اند .  
استرالیا و لاند جدید - فعالیت برای پیشرفت نقشه  
شش ساله ادامه دارد .

جناب استاد مطلب طوبائی از قدماً احبت  
آن محل اخیراً بملکوت جاودان عروج فرموده اند .

این تحفه بكمال تضرع و ابتهال برای جناب  
ابراهیم خداداده و جناب استاد مطلب طوبائی  
از ساحت مقدس علو درجات مسئلت مینماید و به  
با زماندگان ایشان تحریت و تسلیت میگوید .

### مطلوب متنوع

#### اول - کتابخانه های امری

در خونسار و سمنان و نظر اخیراً کتابخانه  
امری بهمث محافل مقدسه روحانی تاسیس کردیده  
و بترتیب بنام "سبان شمید" - "اعتماد" و "تأیید"  
تسمیه یافته از ععم محافل مقدسه روحانی  
و پاران غریزاله مستدعی است بکتابخانه های  
جدید التاسیس مزبور بوسائل ممکنه مقضی  
کمک و مساعدت لازمه ابراز فرمایند تا اساس این  
مشروعات مهمه امریه روزبروز محکم ترمتین تسر  
گردد و بروزگشت دائم آن بیفزاید .

#### دوم - تقاضای لجه ملی کتابخانه

لجه ملی کتابخانه از ععم محافل مقدسه  
روحانیه مستدعی است نام و تاریخ تأسیس  
کتابخانه های جدید التاسیس امری راجه  
تکمیل صورت کتابخانه های بهائی در ایران با آن  
لجه ارسال فرمایند بدینه است محافل مقدسه  
این تقاضای لجه را خواهند دید یافت .

\*\*\*

در سویس - سوئیس - هلند و سایر اقطار  
اروب کلمه الله منتشر و امرالله پیشرفت سریعی نموده  
است .

۳- جامعه بین المللی بهائی  
اقتباس و نقل از اخبار امری استرالیا و لندن  
جدید مونخ مه سنّه ۱۹۴۹

محفل روحانی ملی بهائیان امریکا نماینده  
رسمی جامعه بین المللی بهائی در سازمان ملل  
متعدد است . نه محفل روحانی ملی که الان در  
دنیای بهائی مشغول عالیتند این نمایندگی را به  
محفل روحانی ملی بهائیان امریکا تفویض نموده اند  
نمایندگان جامعه بین المللی بهائی در کنفرانس های  
بین المللی مؤسسات غیردولتی جامعه ملل در پاریس  
لورنس و کانزاس شرکت نموده و در کنفرانس آینده  
که در لیک ساکسیس و نیویورک در ماه آوریل منعقد  
خواهد شد اشتراک خواهند وزید .

### متضادین الى الله

۱- بر حسب مرقومه محفل مقدس روحانی کرمانشاه  
شید الله ارنانه جناب ابراهیم خداداده علیه  
رضوان الله و بهائیه از نفوس مخلصه خادمه که چندین  
سال متوالی عضو محفل روحانی کرمانشاه و چند دوره  
ست نمایندگی آن قسمت امری را در انجمن های  
شور و حائی ملی بهائیان ایران حائز واخیه  
پیجرای امریمهم مهاجرت فائز بوده در تاریخ ۱۸  
تیر المیشه سنّه جاریه بملکوت ایهی صعود نموده اند

۲- بموجب مرقومه محفل مقدس روحانی مرند

سم - ابلاغ لجنه ملى تقويت محافل روحانيه

چهارم - چند کلمه راجع بلغه  
"حظیره القدس"

حظیره القدس در لغت بمعنی جمیع وسایل است و در "مجمع البحرين" و "المجید" این معنی بصراحت مذکور و علاوه برین در احاديث مازائمه طاهرین و اصحاب شعراء متقدی مین ثیزیا پایه موضع اشاره شده از آنجمله: فی حدیث النبی "الثابت علی سنتی مسیح فی حظیرة القدس ای فی الجنة" حکیم سنانی در "حدیقه الحقيقة" میفرماید: همه مستفسر ق Jamal قدم فارغ از نقشش عالیم داشتند

عند لیبان گشن انسان شد  
ساکنان حظیره قدس  
آنچه در صحن آن مکان دارد  
نابستگ و کلن جان دارد  
شعرای عرب نیز مانند عبدالباقي افشا  
در قصائد خود شان کلمه "حظیره القدس" را به مین معنی استعمال کرده اند "و حظیره قاتل  
النی رجل بن عمران به الاتصالوا" چون "حظیره القدس" از لغات مرکب است و "حظیره" پنهانی معنی دیگر دارد از محابر مقدسه روحانیه و احباب آنها متشتم است این را همانطورکه مولای توان احضرت ولی امرالله ارجواه ناداه درستور فرموده اند شفاهها و کتب "حظیره القدس" استعمال فرمایند.

محفل روحانی ملى پهائیان ایران

الف - چون در مرکز کمیسیونه مائی تحت نظر لجنه ملى تقويت محافل روحانیه به مذکور کمک و مساعدت بمحافل مقدسه روحانیه مرکز کرسیتیه امریه تاسیس شده اگر محافل مذکوره در موضوع استقرار ارتباط بین مرکز از این تقویت صندوق محافل اجرای امر مهم مهاجرت و مانند آن اختیان بمساعدت و مسحورت واشتراك مسافی حاصل نمایند موضع را بایچنه ملى تقويت محافل روحانیه اطلاع دهند تا بوسیله کمیسیونهای لجنه به قدر مقدور مساعدت و دلالت لازمه بمحافل مقدسه روحانیه مرکز کرسیتیه امریه ابراز شود.

ب - چون یک از اصول مشورت بهائی مراجعته بنصوص مبارکه قبل از اخذ رای و اتخاذ تصمیم قاطعی پوده و هست و اعضاء محافل مقدسه روحانیه و تمام هیئت دیای بهائی، که در امور امریه مأمور مشورتند باید راجع به برخوضه بیکه مرد شوروی اکره قرار میگیرد قبل از مذکوره و مشاوره مراجعه بدستورهای مبارک و نصوص مقدسه نمایند و اگر در آن موضوع دستور و نصیحت صادر شده تحت مطالعه و مذاقه قراردادند و مذکرات و مناورات خود را بامیزان آنها منطبق نمایند لجه ملى تقویت محافل روحانیه از عموم محافل مقدسه متنم است مجتمعه مبارکه "مستخرجات از تقویعات مقدسه" که اخیراً خبرنیشر آن بر اکثر امریه داده شده و بعض از محافل مقدسه آن مجتمعه نفیسه را از مرکز خواسته اند همواره در جلسات مشورت موجود باشند و بنصوص مبارکه در موضع لازمه مراجعته گرد و مناورات و مذکرات بادستورات مقدسه تطبیق شود تا خدای خواسته آراء صادره مباشند با موافیت امریه حاصل ننمایند.

\*\*\*

تعجب بر مطالعه این مقاله همچنان لذت زیارت



Class of 1947  
of the year  
of the year  
of the year  
of the year

